ضرورت توجه به تکثّر وجوه ثبوتی در جمع بین روایات

شاگرد: شما می‌فرمایی روایات عدد می‌تواند در همان مدیریت امتثال باشد، برای به‌دست‌آوردن زمان ماه، ولی در طول رویت. اگر رویت صورت گرفت، اولین طریق ما رویت باشد و اگر امکانش نبود سراغ روایات عدد برویم.

استاد: بله. حتی عرض کردم ما ادله شرعیه را چه بسا به‌خاطر این‌که اگر یک مورد را به‌عنوان انشاء واحد در نظر می‌گرفتیم، تدبر تام در بسیاری از روایات نشده است. یعنی غض نظر می شده. یکی را برای دیگری تفسیر قرار می‌دادیم. و حال این‌که اگر جهات ثبوتی را به‌عنوان اموری که می‌توانند مطرح باشد، در نظر بگیریم، استظهار از بسیاری از روایات می‌توانند استظهاری مخصوص خود آن روایت باشد، که آن روایت دارد یک وجه ثبوتی را می‌گوید که در یک فضایی که بعدا باحثین و محققینی که همه این وجوه را فهمیدند، وقتی به این روایت می‌رسند می‌گویند این روایت را قبلاً اینطور معنا می‌کردیم اما الآن وقتی همه وجوه ثبوتی را درک کردیم می‌بینیم عجب! امام علیه‌السلام دارد این وجه را می‌گویند. این خودش خیلی لطیف است.

شاگرد: در ابتدا تفصیل بین روایات دادید و فرمودید می‌خواهیم افق این روایات را عوض کنیم و آن را مراعی بگذاریم، ولی این بیان با این جمع‌بندی آخر سازگار نیست. اولی افق دیگری است یعنی نباید آنها را در این تکلیف فعلی ای که داریم حساب کنیم، اما این‌که بگوییم یک وقت هایی از آنها مدیریت امتثال استفاده کنیم، در فضای کلاس هزینه‌بردار است.

استاد: وقتی فرض گرفتیم افقی که حضرت می‌گویند صرفاً افق بطون امر نیست، افقی است که غیر از باطن امر به ظاهر هم مربوط است؛ اختزال سنة. اساس روایات اختزال سنة چیست؟ این است که قرآن کریم در هفت آیه «ستة ایام» تصریح دارد؛ «خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»[1] بعضی از آنها دارد «خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»[2]. خب این «ستة ایام» به چه معنا است؟ یک معنایی را باید روی حساب ظاهر فهم کرد، و معنای باطنی ای که قرآن دارد هم مفصل است. عین همین حرف هم برای روایات ما نحن فیه می‌آید. یعنی همین‌طوری که اختزال می‌تواند یک امر باطنی باشد و تفسیر باطنی داشته باشد، منافاتی ندارد که همین اختزال با یک نظم خارجی در تقویم کل عالم خلقت هم جور در بیاید.

می‌خواستم عبارات را مفصل بخوانم، نشد. عرض می‌کنم تا بعداً بخوانیم. جلد پنجاه و هفتم بحارالانوار، صفحه دویست و شانزده. مرحوم مجلسی بیانی دارند. اینجا از آن جاهایی است که می‌فرمایند: «قال بعض المحققین» اما اسم نمی برند. کتاب را هم که تحقیق کرده‌اند ظاهراً دسترسی به آن نمی‌دهند. مصدر «بعض محققین» را پیدا نکرده‌اند. البته جلد پنجاه و هفت السلامیه منظور است، سه تا که می‌کنیم و پنجاه و چهار بیرون می‌شود. «تبيين: قال بعض المحققين في علة تخصيص الستة أيام بخلق العالم ما حاصله:...»[3]؛ منظور از این «بعض المحققین» چه کسی

است؟ ایشان گاهی مرحوم فیض را می‌گویند. اما آخر کار بعد از دو-سه صفحه مطلب خوبی برای این محقق ذکر می‌کنند، «انتهى كلامه رفع الله مقامه ولقد أحسن وأجاد، وحقق وأفاد، في إبداء هذا الوجه الوجيه»[4]. این بعض محققین وجوهی را برای اختزال سنة می‌آورد. مطالب خوبی را آورده‌اند، مرحوم مجلسی هم این قدر ایشان را تأیید می‌کنند.

ولی نکته این است که می‌گویند «هذا الوجه الوجیه» که خودشان افاده کرده‌اند. ایشان در «فالوجه أن يفسر اليوم هنا والعلم عند الله وأهله بما فسره الله تعالى ترة بقوله»[5] وجهی را می‌گویند، مرحوم مجلسی می‌گویند این وجه خیلی وجیه است. البته بعدش ایراداتی جمعی ای به ایشان دارند. می‌خواستم این را بخوانیم. منظور من این است که ان شاء الله پیدا کنید که «بعض المحققین» چه کسانی هستند؟ در کدام کتابشان گفته اند؟ مرحوم مجلسی از چه کسی نقل می‌کنند که این قدر هم تحسین کرده‌اند.

---

[1] الاعراف ۵۴

[2] الفرقان ۵۹

[3] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث نویسنده : العلامة المجلسي جلد : ۵۴ صفحه : ۲۱۶

[4] همان ۲۲۲

[5] همان ۲۱۸

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2026 07:15:43 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2026 07:16:50 توسط ... .